

تقریب تاریخ

فراخواندن سفرای اروپایی در پی دادگاه میکونوس (۱۳۷۶ ش)

یک روز پس از اعلام حکم یک دادگاه محلی آلمان علیه مقام‌های بلندپایه جمهوری اسلامی ایران، دولت‌های عضو اتحادیه اروپایی سفیران خود را از تهران فراخواندند. قاضی این دادگاه که در محافل خبری به دادگاه میکونوس معروف شد، شدیداً تحت تأثیر صهیونیست‌ها بود و در یک محاکمه جنجالی و سیاسی، ایران را متهم به دخالت در قتل یک مخالف این کشور در آلمان کرد. در پاسخ به تصمیم اتحادیه اروپایی، ایران نیز ضمن رد ادعاهای بی‌اساس دادگاه آلمان، سفیران خود را از کشورهای عضو این اتحادیه فرا خواند. ادعایی که در دادگاه محلی برلین موسوم به میکونوس علیه ایران طرح شد، در واقع بخشی از تهاجم سیاسی مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی بر ضد جمهوری اسلامی ایران بود. به همین علت، دولت ایران، این دادگاه را مردود دانست و پیش‌بینی کرد که سفیران اتحادیه اروپایی، متغافلانه به ایران باز خواهند گشت. در عمل نیز چنین شد و در حدود ۱۰ ماه بعد از صدور حکم دادگاه میکونوس، سفرای اتحادیه اروپایی، یکی پس از دیگری به تهران بازگشتند البته رهبر معظم انقلاب اسلامی طی فرمانی اعلام داشتند که سفیر آلمان باید دیرتر از همه وارد تهران شود و در نهایت سفیر آلمان نیز، بعد از تمام سفرها با فضاحت تمام به ایران بازگشت.

رحلت آیت‌الله سیدمحمدحسن میرجهانی (۱۴۱۳ق)



حاج سیدمحمدحسن میرجهانی طباطبایی اصفهانی، فرزند میرسیدعلی در ذیقعدة سال ۱۳۱۹ ق در یکی از روستاهای اصفهان و بیت دانش و تقوا چشم به جهان گشود. ایشان پس از فراگیری علوم مقدماتی در اصفهان، به حوزه علمیه نجف اشرف هجرت کرد و پس از بهره‌گیری از درس حضرات آیات: آقا ضیاءالدین عراقی، سیدابوالحسن اصفهانی و شیخ عبدالله مامقانی، به مدارج بالای علمی دست یافت. آیت‌الله میرجهانی سبب راهی مشهد مقدس شد و به هدایت و ارشاد مردم و تألیف و تصنیف پرداخت. از آثار این عالم فرزانه می‌توان به کتاب‌های «صباح البیاض» در ۴ جلد، «نوابث الیدور» در ۴ جلد، «ولایت کلیه» در ۲ جلد و چندین اثر دیگر اشاره کرد. از ویژگی‌های آیت‌الله میرجهانی، عشق به آستان اهل بیت(ع) زهد و قناعت، تقوا و تهجد و کوشش در تألیف کتب اسلامی تبلور بیشتری دارند. این عالم ربانی در ۹۴ سالگی بدرود حیات گشت و در جوار مقبره علامه مجلسی در اصفهان به خاک سپرده شد.

تولد «راجر بیکن» فیلسوف و نظر بهر داز انگلیسی (۱۲۱۴م)



راجر بیکن، فیلسوف و مدرس معروف انگلیسی در ۱۱ آوریل سال ۱۲۱۴م در انگلستان به دنیا آمد. او سپس در دانشگاه‌های آکسفورد انگلستان و پاریس به تحصیل و سپس تدریس پرداخت. موفقیت بیکن در کارهای علمی حسادت همکارانش را برانگیخت. از این رو او را به جادوگری متهم کردند و به ۱۰ سال زندان محکوم شد. وی پس از زندان دایره‌المعارف تصنیف عظیم را که شامل علوم طبیعی، منطق، فیزیک، ریاضیات، فلسفه و زبان‌شناسی بود نوشت و بار دیگر به اتهام نگارش کتب ضاله به مدت ۱۲ سال به زندان افتاد. بیکن پس از آزادی از زندان، مطالعات خود را از سر گرفت و کتب متعددی نگاشت. بیکن به علوم طبیعی و تجربه و مشاهده مستقیم اهمیت می‌داد و به همین جهت او را از پیشروان روش تازه علمی شمرده‌اند. وی معتقد بود که علم، مکمل دین است نه مخالف آن. اهمیت فلسفه راجر بیکن در شمول آن بر افکار مبتکرانه و جدید نیست زیرا وی به بسطیاری از افکار خرافی آن زمان همچون کیمیا و علم احکام نجوم اعتقاد داشت. بیکن همچنین یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان قرون وسطی به شمار می‌رود که بشدت، روش‌های فلسفی عهد خود را مورد انتقاد قرار داده است. راجر بیکن سرانجام در ۲۵ سپتامبر ۱۲۹۴م در ۸۰ سالگی درگذشت.



شیخ خزعل، حاکم خوزستان ایران (عبای تیره) و ملک عبدالعزیز آل سعود، حاکم حجاز (عبای سفید)

دفاع کرد. ۲- بنا به اذعان لرد کرزن، عشیره بنی کعب، یعنی عشیره خزعل، کاملاً فرهنگ و هویت ایرانی داشتند. ۳- شیخ خزعل علاقه به خودسری و خان‌خانی و عدم پرداخت مرتب مالیات به دولت داشت ولی هیچ‌گاه سخنی از تجزیه یا فراتر از آن مخالفت و تضاد با هویت ایرانی‌اش نگفت. ۴- در عصر مظفردالدین‌شاه و با وجود مخالفت خزعل، دولت برای خرمشهر گمرکات ایجاد کرد و خزعل هم به‌رغم میل قلبی پس از دستور مظفردالدین شاه از این امر اطاعت کرد. ۵- شیخ خزعل در جریان جنگ اول جهانی از سیاست دولت در بی‌طرفی حمایت کرد و مانع تحرکات عثمانی‌ها در خوزستان شد. ۶- متحدان شیخ خزعل در قیام علیه رضاخان سردار سپه، لرها و بختیاری‌ها بودند و اعراب و بویزه طایفه بنی‌طرف ضد خزعل بودند. ۷- نام تشکیلات خزعل علیه رضاخان سردار سپه کمیته قیام سعادت ملت ایران بود. ۸- خزعل در پایان بیانیه‌های تشکیلات خود از «پاینده ایران» استفاده می‌کرد. ۹- خزعل به دنبال عدم حمایت احمد شاه از جنبش وی بدون جنگ و خونریزی تسلیم رضاخان شد. ۱۰- فرزندان خزعل با تعصب پیگیر منافع ملی ایران در جنوب خلیج فارس بودند. ۱۱- یکی از فرزندان خزعل، مرحوم فرید خزعل، یکی از فرماندهان نیروی دریایی در آزادسازی جزایر سه‌گانه ایران بود.

شیخ خزعل، قربانی سیاست انگلیس



دشمنان او در تهران فرصت می‌یابند از کار برکنارش کنند. در گزارش‌های دیگری آمده است که رضاخان پس از آمادگی، مقامات انگلیسی را مطمئن می‌کند آماده عملیات موفقیت‌آمیز جنوب است. حیثیت او در خطر است و باید به جنوب برود. دولت انگلیس هم پس از این اطمینان و با توجه به ضرورت مساله برای حفظ و تحکیم رضاخان، نه‌تنها به تدریج و به طور نامحسوس دست از حمایت خزعل برمی‌دارد بلکه از پشتیبانی عشایر دیگر از او جلوگیری به عمل آورده و سرانجام هم به او دستور می‌دهد تسلیم رضاخان شود. اینها همه در گزارش‌های وزارت خارجه بریتانیا آمده است. برای نمونه، پس از آنکه زمینه حذف خزعل کاملاً فراهم شد، آنان که سال‌ها او را در رویارویی با دولت‌های مرکزی و نپرداختن مالیات یاری می‌دادند، سرانجام در نامه‌ای به‌طور رسمی به او نوشتند که ایشان به دلیل سرکشی علیه حکومت مرکزی و نپرداختن مالیات، حق استناد به تعهدهای بریتانیا را که از خودمختاری او پاس دارد، از دست داده است چون این تعهدات مشروط به وفاداری به حکومت مرکزی بود! سرانجام لورین به کنسول انگلیس در اهواز دستور می‌دهد شیخ را مجبور کند تسلیم شده و به پیشواز رضاخان برود.

کار آمدی داشته باشد، دیگر از دست‌پروردگان جزئی محلی بی‌نیاز شده و آنان را به‌عنوان ابزارهای زائدی که دوران مصرفشان به پایان آمده بود، می‌نگریست. به همین دلیل حذف آنان را در دستور کار خود قرار داد و به همان میزان که از تثبیت و استقرار دولت کودتا مطمئن می‌شد، دست از حمایت این دست‌پروردگان محلی برداشته و دولت کودتا را در حذف آنان یاری می‌داد. در این فرایند تدریجی و پراحتیاط، خزعل مهم‌ترین و آخرین آنان بود. در این دیدگاه، حذف خزعل نه‌تنها اقدامی ضدانگلیسی نبوده بلکه به درست، خواسته آن دولت و در راستای برنامه‌ها و منافع آن نیز بوده است.

به نظر می‌رسد افزون بر استدلال‌های فراوان در تایید این دیدگاه، دست‌کم اسناد منتشرشده وزارت خارجه بریتانیا هم دیدگاه حاکم بر تاریخ‌نگاری پهلویستی را بی‌اعتبار ساخته و دیدگاه مستقل را تایید می‌کند. با اشاراتی کوتاه به گزیده‌ای از این اسناد، دوری را به خوانندگان می‌سپاریم. لورین در گزارش مورخ ۷ فوریه ۱۷/۱۹۲۴ بهمن ۱۳۰۲ یعنی یک سال پیش از حذف خزعل مطرح می‌کند که شیخ اینک به چیز ناهنجاری مشدد شده است که سرنوشتش باید فرع بر ملاحظه اصلی باشد و ملاحظه اصلی اکنون ایرانی ثابت و یکپارچه، دیواری محافظ در برابر تهدید شوروی به خلیج فارس و هند است.

او در گزارش دیگری در ۲۰ فوریه ۱۹۲۲/۱۷ اسفند ۱۳۰۰ می‌نویسد: رضاخان همان کاری را که انگلیسی‌ها می‌خواستند به دست انگلیسی‌ها انجام دهند، به دست ایرانی‌ها خواهد کرد. در ۱۲ شهریور ۱۳۰۱ ایشان از گزارش‌های کرزن می‌نویسد: باید پیوسته به خاطر سپرد که ملایک نهایی مناسبات ما با ایران، تهران است و اینکه یکپارچگی همه امپراتوری ایران به طور کلی و در درازمدت برای مصالح بریتانیا مهم‌تر است تا تفوق محلی هر یک از دست‌پروردگان ویژه ما.

در گزارش دیگری در ۱۰ ژانویه ۱۹/۱۹۲۳ دی ۱۳۰۱ پس از اطمینان از برخی پیشرفت‌های رضاخان می‌نویسد: اینک هنگام آن رسیده است که بیژندمان را از دست‌پروردگان محلی شل کنیم و پشتیبانی از وزیر جنگ (رضاخان) قطعاً به معنی سلب دوستی‌های محلی ما است که دشوارترین و مهم‌ترین آنها البته شیخ محمره (خزعل) است.

در گزارش دیگری آورده است: «رضاخان می‌تواند موهبتی برای ما باشد» و اظهار نگرانی می‌کند که اگر رضاخان در کارهایش موفق نشود،

رضا شاه در خدمت سیاست منطقه‌ای بریتانیا

حذف بنی کعب و برکشیدن آل سعود

■ عبدالله شهبازی ■

حذف شیخ‌خزعل از منطقه خلیج فارس منطق با سیاست‌های کانون یهودی- صهیونیستی پیش گفته در دولت بریتانیا بود که به دنبال تحکیم اقتدار شیوخ وهابی و ترسیم جغرافیای سیاسی جدید در منطقه خلیج فارس بودند. رضا شاه از مجریان اصلی این سیاست بود و شیخ‌خزعل، به دلیل سنن ایرانی- شیعی بنی کعب که توضیح خواهیم داد، قربانی آن.

طایفه عرب بنی کعب محیسنی (از ریشه «حسن») در اصل از طوایف جنوب حجاز (از شاخه عبدمناف) است که به سمت خلیج فارس مهاجرت کرد، در خوزستان و جنوب عراق مأوا گزید و در جریان شیعه شدن آل مشعشع به تشیع گروید. شاخه‌های بنی کعب در سراسر خلیج فارس پراکنده هستند. بیشتر فلاحین جنوب عراق بنی کعب هستند. شاخه‌ای از



شیخ خزعل و مبارک‌بن صباح الصباح، امیر کویت

بنی کعب نیز ساکن عمان هستند و در دوران ریاست شیخ غانم (در دوره زندیه) بنی کعب بر عمان تسلط داشت. در طول سده‌های هجدهم و نوزدهم میلادی طایفه بنی کعب مقتدرترین نیروی شیعی عرب در منطقه خلیج فارس و سد استواری در مقابل توسعه‌طلبی وهابیون و تاخت‌وتاز و هتک حرمت‌های ایشان در عتبات به‌شمار می‌رفت. برای رسیدن به

ارزیابی منصفانه از شیخ‌خزعل و شناخت دقیق تر علل برکناری و قتل او به دست حکومت رضا شاه، در کنار موارد منفی که با آن آشنایم، توجه به موارد زیر نیز ضروری است:

۱- شیخ‌خزعل از مخالفان سرسخت اعلامیه بالفور بود و با سیاست صهیونیستی یهودی کردن سرزمین فلسطین شدت مخالفت کرد. نامه‌های او به مفتی بیت‌المقدس موجود است. به این دلیل پاپ بندیکت پنزدهم که او نیز از مخالفان اعلامیه بالفور بود، در سال ۱۹۲۱ به خزعل عنوان

گزارشی اجمالی از «بزرگ‌ترین خدمت» رضا شاه به ایران که در واقع بزرگ‌ترین پتانسیل ایران را برای اقتدار در سراسر منطقه خلیج فارس از میان برد، راه را برای اقتدار وهابی‌ها و آل سعود در سرزمین‌های عربی گشود و با اشاعه شوونیسم (ناسیونالیسم افراطی) باستان‌گرایانه بستر را برای پیدایش جریان‌های پان‌عرب و تجزیه‌طلب در خوزستان فراهم آورد.

تاریخ‌نگاری رسمی دوران پهلوی از قشون کشی رضاخان سردار سپه به خوزستان و حذف اقتدار عشیره بنی کعب در خلیج فارس به‌عنوان مهم‌ترین خدمت رضا شاه به حفظ تمامیت ارضی ایران یاد می‌کند.

پژوهش من که در جلد پایانی «زرسالاران» منتشر خواهد شد، ثابت می‌کند این اقدام رضا شاه با هدف تأمین اقتدار بلانمان آل سعود و وهابیون بر منطقه خلیج فارس انجام گرفت. تا آن زمان عشیره شیعی بنی کعب که خود را ایرانی و وفادار به تابعیت دولت ایران می‌دانست، بزرگ‌ترین نیروی معارض آل سعود و وهابیون در منطقه به‌شمار می‌رفت و به‌عنوان قدرتمندترین نیرو در منطقه خلیج فارس در حلقه واسط میان ایرانیت و عربیت، اقتدار دولت مرکزی ایران را در سراسر خلیج فارس تأمین می‌کرد.

پیوندهای شیخ‌خزعل با استعمار بریتانیا و عضویت او در لژهای ماسونی و جنبه‌های منفی شخصیت شیخ‌خزعل مورد نظر نگارنده بوده است. این مسائل تحلیل فوق را مخدوش نمی‌کند. کلید حل معمای شیخ‌خزعل شناخت ساختار قدرت در بریتانیاست.

برای شناخت رقابت کانون‌های معارض در درون بریتانیا در سال‌های پس از جنگ اول جهانی که منجر به کودتای ۱۲۹۹ و برکشیدن رضاخان از سوی لرد ردینگ، نایب‌السلطنه بریتانیا در هند و جامیان او در لندن، جناح لویدجورج - چرچیل - مونتاگ - ساموئل، به‌رغم مخالفت جناح لرد کرزن، شد، مطالعه گزارش مفصل خود را از نتایج تحقیق ۱۰ ساله‌ام، در این زمینه، توصیه می‌کنم که در اسفند ۱۳۷۹ در کنفرانس هشادمین سالگرد کودتای ۱۲۹۹ با عنوان «کانون‌های استعماری، کودتای ۱۲۹۹ و صعود سلطنت پهلوی» عرضه شد.



مصطفی تقوی: شیخ خزعل از قبيله بنی کعب یکی از رجال انگلوفیل ایران بود که از دوره مشروطه به بعد در تحولات سیاسی ایران در استان خوزستان نقش مهمی داشته است. او از انقلاب مشروطیت هواداری کرد و در دوران جنگ اول جهانی نیز کمک‌های شایانی به دولت انگلستان کرد. بدین ترتیب او توانست اطمینان کامل انگلستان را به خود جلب کرده و با پشتیبانی آن دولت به حاکم قدرتمند و بی‌رقیب خوزستان تبدیل شود.

با توجه به موقعیت و اهمیت منطقه نفت‌خیز و استراتژیک خوزستان، وجود شیخ خزعل برای بریتانیا از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بود اما سرانجام در سال ۱۳۰۳ شمسی به وسیله رضاخان از صحنه سیاست ایران و خوزستان حذف شد. هنگامی که رضاخان دست به کار حذف خزعل شد، تحریکات کمیته قیام سعادت را نشانه آن دانست که خزعل در پی جدا کردن خوزستان از خاک ایران است و دولت انگلیس نیز او را در این نیت سوء حمایت می‌کند. بدین‌گونه چنین وانمود کرد که حذف خزعل، اقدامی برای جلوگیری از تجزیه ایران و مبارزه با مهم‌ترین عامل انگلیس و منافع آن دولت است. کتاب سفرنامه خوزستان تنها برای توجیه و القای همین دیدگاه است. به پیروی از رضاخان، دیگر پهلوی ستایان و پهلوی‌نگاران هم در شرح این مدعا به قلم‌فرسایی پرداخته و انبوهی از متون تاریخ‌نگاری پهلوی را به این مقوله اختصاص دادند، به گونه‌ای که بسیاری از کسانی که آگاهی تاریخی‌شان محدود به تاریخ‌نگاری یادشده است، از فیلم زندگی سیاسی شیخ خزعل تنها تصویر آگاندن‌ساز شده و تحریف شده سال ۱۳۰۳ را به یاد می‌آورند و می‌بینند.

اما دیدگاه مستقل از تاریخ‌نگاری رایج پهلویستی، روایت دیگری از حذف خزعل دارد. مفروضات مهم دیدگاه یادشده این است که دولت بریتانیا با انجام کودتای ۱۲۹۹ و روی کار آوردن مهره‌ای مطمئن‌تر که افزون بر خوزستان، در سراسر ایران برای آنها